

بخش نخست

سرگذشت ملت یهود

و سرزمین اسرائیل



پروفسور امنون نتصر در این بخش از کتاب
از پیشینه‌ی یهودیان در درازای تاریخ
از هنگام شکل گرفتن به صورت یک ملت
تا بازگشت به استقلال ملی
سخن می‌گوید

گفت و گوی محمدیم

جشن پوریم نشان دیگری از همبستگی باستانی بین یهودیان و ایران



استر شهبانوی یهودی، در حضور شاهنشاه توطئه صدراعظم اجنبی را فاش می کند

پرسش - سخنان شما درباره عید "پوریم" و کتابی که "تومار استر" نامیده می شود ناتمام ماند و اکنون می خواهیم توضیح دهید که چرا "تومار استر" بخشی از مجموعه "کتاب مقدس" یا "کتاب عهد عتیق" یهود را تشکیل می دهد، ولی جزو نوشته های مقدس محسوب نمی شود. البته نه آن که جنبه تقدس نداشته باشد، ولی بخشی از پنج

صحیفه اصلی تورات به حساب نمی آید. پرسش آن است که در این کتاب چه نوشته شده و نگارش "تومارِ استِر" در چه زمانی بوده است؟

پاسخ - "تومارِ استِر" گرچه جزو پنج صحیفه تورات نیست، ولی بخشی از "کتاب مقدس یهود" را تشکیل می دهد. در مورد متن این کتاب پرسیدید، باید بگویم که ناچارم تاریخ چهارهزار ساله را در چند دقیقه به طور فشرده بیان کنم، به خاطر آن که از نظر زمانی فرصت زیادی نداریم.

خود نام "استِر" در این تومار یک اسم ایرانی است و از واژه "ستاره" آمده است و این امری است که اکثر تاریخ نویسان و پژوهشگران درباره آن اتفاق نظر دارند.

با این همه باید تذکر دهیم که استِر را پس از تولد "هداسا" نام گذاشتند. ولی از آن جا که بسیاری از یهودیان ایرانی امروز دو نام دارند: یکی نام عبری آن ها می باشد که هنگام اجرای آئین های دینی به کار می برند و نام دیگری که کاملاً ایرانی است و نام رسمی آن ها محسوب می شود. یهودیان دوران امپراتوری ایران نیز احتمالاً دو نام داشتند که در این مورد می توان گفت که "هداسا" نام عبری و "استِر" نام رسمی یک دوشیزه یهودی بود که امپراتور ایران او را به همسری گزید و مقام شهبانوئی را به وی اعطا کرد.

و اما داستان زندگی "استِر" از این قرار است که در دوران امپراتور ایران، که احتمالاً خشایار شاه بوده است، یک صدراعظم بیگانه در دربار خدمت می کرده که از نژاد "عمالق" بوده و انتظار داشته که "مُردخای" که یک یهودی خدمتگزار دربار سلطنتی بوده و مقام عالی داشته ، همانند دیگر خدمه در برابر او تعظیم کند - که در دین یهود تعظیم و سجده در برابر افراد و یا اجسام ممنوع است و فقط در برابر پروردگار و هنگام اجرای نیایش مذهبی می توان سجده کرد.

این صدراعظم که "هامان" نامیده می شد، خشم مُردخای یهودی را در دل گرفت و در صدد قتل عام همه یهودیان در سراسر امپراتوری ایران برآمد و به شیوه های خدعه و فریب از پادشاه ایران فرمان قتل عام یهودیان را گرفت.

ولی به درخواست "مُردخای" و راهنمایی او ، "استِر" نزد پادشاه رفت و به او اطلاع داد که وی نیز از همان قومی است که "هامان" قصد کشتار آنان را دارد و اجازه آن را نیز از پادشاه دریافت کرده است.

شاهنشاه ایران که احساس کرد صدراعظم وی او را در مورد قومی که در آن مملکت زیست می کند فریب داده ، از این خدعه کاری سخت برآشفست و دستور قتل عام یهودیان را باطل کرد و متقابلاً فرمان داد که خود "هامان" به جرم توطئه شیطانی و فریبکاری، به دار مجازات آویخته شود - و این همان داری بود که "هامان" برای حلق آویز کردن "مُردخای" خدمتگزار وفادار پادشاه ایران برپا ساخته بود.

بلین سان توطئه صدراعظم توطئه گر و بیگانه خنثی شد و یهودیان از قتل عام نجات یافتند و همه ماموران بیگانه ای را که عوامل اجرای توطئه های "هامان" در امپراتوری ایران بودند نابود کردند. در نهایت امر، دشمنان یهود شکست خوردند و یهودیان در دفاع از جان خویش پیروز شدند.

به پاس این رویداد تاریخی که موجب نجات جان یهودیان و رهائی آنان از یک قتل عام گسترده گردید، آنان هر سال در تاریخ معینی که کم و بیش مصادف با نوروز ایرانیان است (به تاریخ عبری: سیزدهم و چهاردهم ماه آدار) جشن می گیرند و به شکرانه این نجات به شادمانی می پردازند و یاد پادشاه ایران را گرمی می دارند و از "استر" و "مردخای" با احترام و عزت سخن می گویند.

در مورد تفاوت بین تاریخ ایرانی (که خورشیدی است) با تاریخ عبری (که قمری است) و در گفت و گوهای پیشین نیز به آن اشاره کردیم، این توضیح را نیز باید اضافه کنیم که تاریخ عبری هر چهار سال یک بار یک ماه کبیسه دارد؛ یعنی سال ۱۳ ماه می شود و آن موقع دوباره تاریخ عبری و فارسی به هم نزدیک تر می گردند. بنابراین، در بعضی از سال ها، عید "پوریم" یهودیان و جشن "نوروز" ایرانیان تقریباً در یک روز اتفاق می افتد.

پرسش - با توجه به توضیحات شما، "تومار استر" حلقه ارتباط دیگری است بین دو ملت یهود و ایران؟ بین یهودیان و امپراتوری و سرزمین ایران؟

پاسخ - طبق پژوهش هائی که گروه هائی از تاریخ دانان انجام داده اند، می توان به این نتیجه رسید که "تومار استر" توسط یک یهودی ایرانی نگاشته شده که ماجرای آن بر اساس رشته رویدادهائی بوده که طی قرون و اعصار سینه به سینه نقل شده و آن نویسنده یهودی ایرانی آن ها را به رشته تحریر کشیده است.

ولی در مورد پرسش شما که این کتاب در چه سالی نوشته شده، ارزیابی های پژوهشگران با هم تفاوت دارد. برخی محققین بر این باورند که "تومار استر" در دوران تسلط یونانیان بر سرزمین اسرائیل، و به عبارت دقیق تر در ایام حکومت سرکوبگرانه "آنتیوکوس" یونانی نگاشته شده که می خواست باورهای بت پرستانه یونان باستان را بر یهودیان تحمیل کند و موجب قیام "مکابی" ها گردید.

شماری از پژوهشگران نیز بر این باورند که ماجرای تومار استر در دوران حکومت مادها در ایران اتفاق افتاده است. در هر حال تذکر دهم که پژوهش و تحقیق در این باره همچنان ادامه دارد و هنوز اختلاف نظر میان پژوهشگران برطرف نشده است.

پرسش - تقاضا دارم از ارزش های فرهنگی "تومار استر" سخن بگوئید و ارتباط آن با ایران را بیشتر توضیح دهید.

پاسخ - اولاً بسیاری از مطالبی که در این کتاب آمده، به دربار سلطنتی ایران مربوط می شود. شیوه تاریخ نگاری در آن دوران و نگاهداری این نوشته های تاریخی در بایگانی دربار، آن گونه که در "تومار استر" بیان گردیده، اطلاعاتی است که شیوه مملکت داری در ایران باستان را نشان می دهد و بازگو کننده رویدادهای تاریخی آن دوران است و این بخش از "تومار استر" مورد تائید ایران شناسان نیز قرار گرفته است و می تواند کمکی به شناخت ایران باستان باشد.

مطالب این کتاب نشانگر دوران حکومت خشایارشا و اردشیر اول و اردشیر دوم و حتی دوران داریوش بزرگ است. مطالبی در "تومار استر" آمده که نشان دهنده رویدادهای تاریخی آن دوران است.

نکته مهم و جالب دیگر آن که در "تومار استر" شمار زیادی واژه های ایرانی وجود دارد که وارد زبان و ادبیات عبری شده است. در دیگر صحیفه های کتاب مقدس یهود نیز واژه های ایرانی وجود دارد، ولی از نظر حجم و تعداد، با "تومار استر" قابل مقایسه نیست.

من در باره واژه های ایرانی که در "تومار استر" آمده چند سال پیش در یکی از مجله های فارسی زبان در نوس آنجلس مقاله ای منتشر کردم که می توانم نمونه هائی از آن را نقل کنم. در واقع می توان گفت که بیشترین بخش از واژه های ایرانی که وارد زبان عبری گردیده، از "تومار استر" گرفته شده است.

چند نمونه را برای شما بیان می کنم: واژه "آپادان" (Apadan 𐎱𐎠𐎼𐎿) که مفهوم آن کاخ سلطنتی است و در زبان فرس قدیم "آپادانا" گفته می شده است.

واژه دیگر "اخشدرپان" (Achashdarpan 𐎠𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹) در زبان عبری است که ریشه کاملاً ایرانی دارد و معادل واژه ساتراپ به مفهوم فرمانداران ایالت های مختلف در دوران هخامنشیان است که از واژه خَشْتَرِپان گرفته شده که همان "خشفرایا" به زبان فرس قدیم است.

در حاشیه باید بگویم که واژه "شاه" در زبان فارسی، حتی از فرس قدیم هم نیامده ، بلکه ریشه در زبان مادها دارد که از آن جا وارد فرس قدیم شده است.

مادها نخستین پادشاهانی را داشتند که به آن ها "خشفرایا" می گفتند که از آن واژه "شاه" گرفته شد. این واژه به صورت "اخشدرپان" وارد تومار استر و زبان عبری شده است و "پان" پسوندی به مفهوم "پاسدار" و "نگاهدارنده" است که بعدها به صورت "بان" درآمده و واژه هائی چون "شهربانی"، "شهربان" و حتی "پاسبان" نمونه های مرکب آن است. در آن دوران فرستاده شاه را "اخشفران" می نامیدند.

واژه دیگری که می خواهم به آن اشاره کنم "پت بگ" است که یک واژه مرکب محسوب می شود و واژه "پت" در زبان عبری به معنی "نان" است که امروزه "پیتا" نامیده می شود و گرده نانی سفید است که ایتالیائی ها واژه "پیتزا" را از همین "پیتا"ی عربی گرفته اند. بخش

دومین این واژه، یعنی "بگ" از واژه "باگا" به مفهوم خداوند می آید که در زبان روسی به صورت "بوگا" آن هم به مفهوم خدا راه یافته است و در زبان ترکی به صورت "بیگ" می آید مثل "حسن بیگ" یا "دریابیگ" که به مفهوم "ناخدا" و "خدای دریا" یا "دریاسالار" می باشد.

این ها نمونه هائی از واژه هائی است که در تومارِ استر آمده و همگی از زبان فارسی قدیم گرفته شده است و لغاتی بوده که در دربار سلطنتی ایران در آن دوران به کار می رفته است.

واژه دیگری که با آن روبرو می شویم "پت شگن" است . مفهوم آن در فرس قدیم "فرمان" و "رونوشت" است.

پیشتر نیز گفتیم که واژه عبری "پیتگام" از همان واژه فارسی "پیغام" و "پیام" می آید.

من در این جا نمی خواهم وارد فیلولوژی ایرانی شوم و وقت کافی نداریم که من توضیح دهم که چگونه "پت" و "پاد" و "داد" به واژه هائی مبدل می شود که وارد زبان عبری گردیده است.

پرسش - از سخنان شما چنین بر می آید که ماجرای "تومارِ استر" در امپراتوری ایران می گذرد و آن کسی نیز که این رویداد را به رشته تحریر کشیده یک یهودی بوده که در سرزمین ایران زیست می کرده است. می خواهم بپرسم که هدف از نگارش چنین داستانی چه بوده است؟

پاسخ - هدف عمده، تقویت روحیه یهودیان سرکوب شده و مظلوم آن دوران ها بوده است.

هنگامی که می پرسیم در چه دوره ای نیاز بوده که یهودیان در صدد تقویت روحیه ضعیف شده در برابر زور و ستم برآیند، پاسخ آن است که بی تردید در دوران تسلط هخامنشیان بر سرزمین اسرائیل چنین نیازی وجود نداشته است. زیرا هخامنشیان به یهودیان و پیروان دیگر باورهای دینی آزادی عمل اعطا کردند و با جرات می توان گفت که در دوران هخامنشی، هیچ گونه آسیبی به یهودیانی که در آن سرزمین پهناور می زیستند، در هیچ نقطه از آن امپراتوری بزرگ وارد نشد. بنابراین، در آن دوران نیازی به تقویت روحیه یهودیان نبوده است.

این جاست که گروهی از پژوهشگران به این ارزیابی می رسند که "تومارِ استر" در دورانی نگاشته شده که یهودیان در محنت و ذلت می زیسته اند و با دشواری های بسیار روبرو بوده اند و به احتمال زیاد در همان دوران تسلط یونانیان و حکومت آنتیوکوس بود که باور دینی یهودیان را سرکوب می کرد و می خواست بت پرستی را به آنان تحمیل کند و یهودیان در رنج بسیار به سر می بردند و روحیه آنان تضعیف شده بود.

حالا باز گردیم به واژه های ایرانی که وارد زبان عبری شده است: یک نمونه دیگر واژه "پَرِدِس" (פרדס Parded) است که از "پارادیس" ایرانی به معنی بهشت گرفته شده و امروز در زبان عبری به مفهوم باغ مرکبات به کار می رود.

واژه "پِلادا" (פלדה Plada) در زبان عبری از همان "پولاد" فارسی آمده است.

یک واژه خیلی مرکزی که زبان عبری از زبان فارسی گرفته و ما پیشتر نیز چند بار به آن اشاره کردیم، واژه "دَت" (דַת Dat) به مفهوم دین است و از واژه فارسی "داد" آمده است. احتمالاً "تومارِ اِسْتِر" نخستین کتاب در ادبیات و دین یهود است که واژه "دَت" در آن آمده است. "دَت" در ابتدا به مفهوم قانون و شریعت بوده که بعدها به مفهوم دین و مذهب کاربرد پیدا کرد.

واژه عبری "گیزبار" (גזבר Gizbar) به مفهوم خزانه دار از واژه فارسی "گنج بار" یا "گنج بر" گرفته شده و پسوند "بار" به مفهوم کسی است که چیزی را بر دوش خود حمل می کند و یا به چیزی می پردازد.

واژه "گینزاخ" (גנזאך Ginzakh) در زبان عبری به مفهوم بایگانی و یا محلی که اسناد و مدارک در آن نگاهداری می شود و به زبان های لاتین "آرشیو" گفته می شود، از واژه "گنج" فارسی می آید. همین واژه از فارسی وارد زبان عربی نیز شده و به صورت "کنز" در آمده که جمع آن "کُنُوز" می شود.

واژه جالب دیگری که می خواهم به آن اشاره کنم "نیشْتِوان" (נִישְׁטֵוּאן Nishtevan) است که در "صحیفه عزرا" در کتاب مقدس (فصل هفتم، آیه ۱۱) آمده و به مفهوم "نامه" است و توجه کنید که تا چه حد به واژه "نوشتن" نزدیک است.

این ها تنها نمونه هائی از واژه های ایرانی است که وارد زبان عبری شده و اگر بخواهیم همه واژه ها را یکی یکی نام برده و مورد بحث قرار دهیم، دست کم به ده گفتار جداگانه نیاز داریم.

به عنوان مثال باید بگویم که کتاب تلمود یهودیان که بسیار قطور و پر محتواست ، نبریز از واژه هائی است که ریشه ایرانی دارد. می توان گفت که هزاران واژه ایرانی در کتاب تلمود وجود دارد . یادآوری می کنم که کتاب تلمود که تشریح کننده شریعت یهود است، در دوران ساسانیان و در درازی چندین و چند صد سال تدوین گردید و از این رو بسیاری واژه های ایرانی در آن وجود دارد که این خود به بحث های جداگانه ای نیازمند است.

پرسش - در پایان گفت و گوی این بار، تقاضا دارم به نتیجه گیری بپردازید و "تومارِ اِسْتِر" را از نظر ادبی، فرهنگی، تاریخی، دینی و ملی ارزیابی کنید.

پاسخ - در "تومارِ اِسْتِر" بیش از هرچیز دیگر یک روند ملی گرایی و ناسیونالیستی وجود دارد. اگر بخواهیم ترمینولوژی و مفاهیم امروزی را مورد استفاده قرار دهیم، می توان گفت

که "تومارِ اِسْتِر" نخستین نوشتار یهودی است که خیلی به وضوح وجود اندیشه ها و پیش داوری های یهودستیزانه را نشان می دهد.

این گفته بر مبنای این واقعیت است که در خود "تومارِ اِسْتِر" آمده است که هامان آجاجی صدراعظم وقت دربار امپراتوری ایران که یک فرد بیگانه و غیرایرانی بود، خطاب به پادشاه ایران می گوید: "ملتی در میان اقوام مختلف در امپراتوری ایران زیست می کند که پیرو آداب و باورهای ویژه خویش است و با دیگر ملت ها و اقوام تفاوت دارد. مثل ما نیست، بلکه یک ملت دیگری است".

کتاب اِسْتِر با این مطالبی که در آن آمده، این تضاد را نشان می دهد. چنین تضاد و درگیری، بیشتر در دوران تسلط یونانیان بر سرزمین اسرائیل وجود داشته است. بنابراین من تصور می کنم حق با آن گروه از پژوهشگران است که به این نتیجه رسیده اند که "تومارِ اِسْتِر" در آن دوران، یعنی حدود دو هزار و اندی سال پیش نگاشته شده است.

این کتاب نشانگر وجود اندیشه های یهودستیزانه، حتی در آن دوران دور دست است.

"تومارِ اِسْتِر" در عین پرداختن به این محنت و خطر، چنین نشان می دهد که پیروزی نهائی نصیب یهودیان مظلوم و مورد آسیب می شود و این نوعی تسلی خاطر و تقویت روحیه برای قومی است که در بخش عمده ای از موجودیت تاریخی خود هدف آزار و سرکوبگری و تبعیض و ظلم قرار داشته است.

با توجه به این برداشت است که از دیدگاه یهودیان، عید "پوریم" در واقع جشن شادمانی و خوشی ملتی است که از مرگ رهائی یافت و حتی موجب نابودی دشمنان خود شد.

در ایران و بسیاری سرزمین های دیگر عید "پوریم" جشن گرفته می شود و هدایائی رد و بدل می گردد.

بررسی عمیق ما را به این نتیجه می رساند که بین "پوریم" و نوروز یهودیان تشابهاتی هم وجود دارد. در هر دو عید، به یکدیگر عیدی می دهند و نوع خوردنی ها نیز کم و بیش به یکدیگر شبیه است. از جمله، در هر دو عید افراد لباس نو به تن می کنند.

نتیجه آن که "پوریم" و داستان "اِسْتِر" به نیت تقویت روحیه یهودیان و ایستادگی آنان در برابر ظلم و زور نگاشته شده و از آن جا که سرزمین ایران باستان صحنه وقوع این ماجرا بوده، از روابط دیرین و وابستگی باستانی دو ملت حکایت دارد